فرهیختگان
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR

تبادل زندانیان ایران و آمریکا تا حدودی اهمیت دارد اما نباید در آن اغراق کرد

واقع‌گرایی تبادل؛ اهمیت فرامتن و واقعیت متن

فرهیختگان اسفند ماه سال گذشته حسین امیرعبداللهیان در گفت‌وگویی، از توافق با آمریکایی‌ها بر سر تبادل زندانیان بین ایران و آمریکا خبر داده و گفته بود که «اگر همه‌چیز از طرف آمریکایی خوب پیش برود، فکر می‌کنم در کوتاه‌مدت شاهد تبادل زندانیان خواهیم بود.» اگرچه در آن زمان آمریکا این اظهارات را «نادرست» خواند اما خبر شامگاه پنجشنبه درباره توافق دوطرف برای تبادل، نشان می‌دهد طرف آمریکایی به دلایلی نامشخص، ۶ ماه دستیابی به توافق را با تاخیر مواجه کرده است. در میانه اردیبهشت ماه امیرعبداللهیان در جریان سفری که به لبنان داشت، در پاسخ به خبرنگار لبنانی از توافق «۱۳ ماه پیش» سخن گفت که در آن مذاکرات «یک خانم دیپلمات انگلیسی» نماینده آمریکا بوده و مذاکرات به «یک صورتجلسه» منتهی شده است اما «ماه‌ها اجرای این صورتجلسه به دلیل تعلل طرف آمریکایی به تعویق افتاد» تا اینکه «قرار شد آن صورتجلسه به‌روزرسانی شود.» اینکه در صورتجلسه جدید چه تغییراتی ایجاد شده است که منتهی به توافق تبادل شده است، هیچ‌یک از طرفین تا به‌امروز جزئیاتی بیان نکرده‌اند اما احتمالا یکی از بندهای آن، افزایش زندانیان آمریکایی در تبادل بوده است. براساس توافق قبلی، قرار بود تنها سیامک نمازی، مراد طاهباز و عماد شرقی آزاد با پروازی عمانی ابتدا به مقصد مسقط و پس از آن به آمریکا پرواز کنند اما اکنون سخن از حداقل ۴ زندانی آمریکایی است. براساس اخباری که به‌صورت کلی و با ملاحظه در رسانه‌ها منتشر شده است، ایران در ازای آزادسازی پول‌های بلوکه شده‌اش در کره جنوبی و همچنین آزادی چند ایرانی که به اتهام نقض تحریم‌های آمریکا در زندان به سر می‌برند، چند زندانی آمریکایی که به جرم جاسوسی زندانی شده‌اند را آزاد کند. خبرگزاری تسنیم این زندانی‌ها را ۴ نفر (سیامک نمازی، مراد طاهباز، عماد شرقی و یک نفر دیگر که هویتش فاش نشده) معرفی کرده اما نیویورک تایمز و ای‌بی‌سی نیوز از ۵ زندانی سخن به میان آورده‌اند.

ظاهرا به‌جز یکی از این زندانیان که قبل از پنجشنبه از زندان خارج شده است، سایر افراد روز پنجشنبه از زندان اوین به هتلی در تهران منتقل شده‌اند و تحت نظر هستند تا فرآیند انتقال پول از کره جنوبی به قطر به انجام برسد. خروج آمریکایی‌ها از زندان، نخستین گام در یک روند طولانی است که می‌تواند هفته‌ها طول بکشد. رسانه‌های غربی می‌گویند وجوهی که قرار است آزاد شود باید طبق درخواست ایران به ارزهای مختلف تبدیل شود که به دلیل مفاد تحریم‌های ایالات متحده روندی طولانی و چند هفته‌ای را به دنبال دارد. تسنیم نوشته که «قرار است پول‌های ایران در کره از واحد وون (واحد پول کره جنوبی) به یورو تبدیل شود که این مهم انجام شده و در ادامه بناست که به حسابی در قطر واریز شود تا در اختیار ایران قرار گیرد.» این خبرگزاری مبلغ پول‌های ایران در کره جنوبی که بناست آزاد شود را ۶ میلیارد دلار دانست. پس از انتقال این ۶ میلیارد دلار به قطر، ایران به زندانیان آمریکایی اجازه خروج از کشور را خواهد داد. زندانیان ایرانی نیز گویا قرار است به دوحه منتقل شوند. یک منبع آگاه آمریکایی به ان‌بی‌سی نیوز گفته که علاوه‌بر قطر، دولت‌های عمان، امارات متحده عربی و عراق نیز نقش‌های حمایتی را به‌عنوان میانجی در مذاکرات ایفا کردند. او گفته سوئیس که منافع ایالات متحده در ایران را تامین می‌کند، به اجرای این توافق کمک خواهد کرد و انتظار می‌رود سفیر سوئیس به بازداشتی‌های آمریکایی دسترسی داشته باشد. ان‌بی‌سی نیوز پیش از این مدعی شده بود که علاوه‌بر تبادل زندانیان، دو طرف در مورد توافق شفاهی احتمالی غیررسمی با هدف جلوگیری از بحران بر سر برنامه هسته‌ای ایران نیز گفت‌وگو کرده‌اند. این شبکه آمریکایی مدعی است «توافق پیشنهادی باعث می‌شود ایران احتمالا غنی‌سازی اورانیوم خود را در سطوح فعلی خلوص ۶۰ درصد متوقف کند و با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل کند. در مقابل، ایالات متحده تحریم‌های جدیدی را اعمال نخواهد کرد یا احتمالا برخی از تحریم‌های موجود را به‌شدت اجرا نخواهد کرد. خطوط دقیق ترتیبات پیشنهادی همچنان نامشخص است.» به نوشته این شبکه، مقامات آمریکایی وجود هرگونه توافق هسته‌ای موقت را رد کرده‌اند اما منابع آگاه از مذاکرات می‌گویند که دو طرف در حال گفت‌وگو درباره یک تفاهم غیررسمی و شفاهی بوده‌اند که برای تثبیت وضعیت موجود و اجتناب از رویارویی طراحی شده است. طبق قوانین ایالات متحده، هر توافق رسمی باید توسط کنگره بررسی شود. رسانه‌های غربی نوشته‌اند که جو بایدن رئیس جمهور آمریکا در صورت آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده ایران، احتمالا با موجی از انتقادات از سوی جمهوری‌خواهان روبه‌رو خواهد شد. در سال ۲۰۱۵ که اوباما توافقی اینچنینی را امضا کرد، قانونگذاران جمهوری‌خواه به‌شدت از اوباما انتقاد کردند. با این وجود آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا روز پنجشنبه برای کاستن از حجم انتقادات جمهوری‌خواهان گفت که در این توافق «ایران هیچ‌گونه تخفیف تحریمی دریافت نخواهد کرد و در هر موردی که ما چنین تلاش‌هایی را برای بازگرداندن آمریکایی‌ها از ایران به خانه انجام دهیم، از سرمایه خود ایران استفاده خواهد شد و به حساب‌های محدود منتقل می‌شود به‌طوری که این پول فقط برای اهداف بشردوستانه قابل استفاده است.» او گفت وزارت او با زندانیان آمریکایی در تماس بوده است. او از به اشتراک گذاشتن آنچه که «جزئیات این روند» نامید خودداری کرد و گفت نمی‌خواهد آزادی آنها را به خطر بیندازد.

۹ نکات مثبت

ایران همواره تبادل زندانیان را موضوعی «انسان‌دوستانه» و متفاوت از مساله هسته‌ای خوانده است اما با این حال نباید از این موضوع چشم‌پوشی کرد که هر مذاکره موفقی، می‌تواند چهارچوبی برای دستیابی به توافقی در موضوع هسته‌ای باشد. نیویورک تایمز با اشاره به ادعای مقامات ایالات متحده مبنی بر اینکه دیپلماسی آنها برای آزادی آمریکایی‌های زندانی مستقیما با مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران مرتبط نیست، به نقل از «افراد آشنا با این گفت‌وگوها» نوشت که «برت اچ. مک گورک، هماهنگ‌کننده خاورمیانه و شمال آفریقا در کاخ سفید، در اوایل ماه مه با مقامات عمان دیدار کرد تا درباره مبادله زندانیان با ایران گفت‌وگو کند.» به نوشته این روزنامه، «در زمان حضور در عمان، مک گورک مذاکرات غیرمستقیم با مقامات ایرانی را با هدف دستیابی به یک توافق غیررسمی هدایت کرد که براساس آن ایران میزان غنی‌سازی اورانیوم خود را تا سطحی کمتر از حد مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای و کمک‌های نظامی خود از جمله به روسیه را محدود می‌کرد. در مقابل، ایالات متحده موافقت خواهد کرد که تحریم‌ها را تشدید نکند یا اقدامات تنبیهی دیگری را علیه ایران در مجامع بین‌المللی دنبال نکند.» در این باره می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱ ایران با حفظ کامل زیرساخت‌های هسته‌ای و بدون پذیرش جمع‌آوری سانتریفیوژ و اقداماتی که ظرفیت غنی‌سازی ۶۰ درصدی‌اش را کاهش دهد، با طرف غربی به توافق رسیده است.

۲ هیچ مواد غنی‌سازی شده‌ای قرار نیست از کشور خارج شود.

۳ سطوح پیشین مانند غنی‌سازی ۶۰ درصدی به عقب باز نمی‌گردند درحالی که در توافق پیشین (برجام) سطح ۲۰ درصدی به ۳,۶۷ فروکاسته شد.

۴ بسیاری از کشورهایی که به مرور وارد پرونده هسته‌ای ایران شده و باعث تبدیل شدن آن به موضوعی در چهارچوب امنیت بین‌المللی شدند، از توافق خارج بوده و طرف ایران صرفا به آمریکا منحصر می‌شود تا پوششی که برای بین‌المللی ساختن آن ایجاد شده بود، شکسته شود.

۵ در توافق فعلی ایران به بازدارندگی هسته‌ای نزدیک‌تر از شرایط احیای برجام است.

۶ ایران درصورت نقض تعهدات آمریکا می‌تواند سریع‌تر و در سطح بالایی تعهدات خود را تعدیل کرده یا در اقدامی متقابل آن را ترک کند درحالی که درخصوص برجام ایران مسیری بسیار دشوار پیش‌رو داشت.

۹ نکات منفی

۱ بخشی از توافق درخصوص آزادسازی دارایی‌ها، مشابه برنامه «نفت در برابر غذا»ی سازمان ملل است. این برنامه پس از صدور قطعنامه ۹۸۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ به دنبال تحریم‌های سازمان ملل ضد عراق پس از حمله این کشور به کویت به اجرا درآمد که براساس آن عراق می‌توانست محصولات نفتی خود را صادر کرده و از عواید آن برای بهره‌گیری در جهت نیازهای انسانی (مواد غذایی و دارویی) استفاده کند. طبق تحریم‌های آمریکا، ایران فقط برای خرید غذا، دارو یا سایر اهداف بشردوستانه به این منابع آزاد شده کره جنوبی اجازه دسترسی خواهد داشت. این روش محدودیت‌های خاصی را بر ایران اعمال می‌کند. شاید ایران به اندازه مبالغ بلوکه‌شده نیازمند غذا و دارو نباشد و اضافه واردات شکل گرفته بر این اساس ضربه‌ای به تولید داخل وارد آورد. همچنین ایران آزادی عملی در انتخاب کالای وارداتی نداشته و شرکت‌های واسطه قطری به این کار خواهند پرداخت. تجربه عراق نشان می‌دهد در این وضعیت کالاها گران‌تر و با انحراف از نیازها تهیه می‌شوند.

۲ در توافق، بدون آنکه تحریمی برداشته شود، آزادسازی مبالغ صورت می‌گیرد. این درحالی است که یکی از اهداف اصلی ایران از مذاکره «رفع تحریم» بوده و در دولت جدید نیز گفت‌وگوها «مذاکرات رفع تحریم‌ها» نام گرفته بود.

۳ توافق مکتوب نیست و به همین دلیل راحت‌تر قابل نقض است.

۴ آمریکا به دلیل مکتوب نبودن توافق، با هزینه کمتری می‌تواند از آن خارج شود. بر این اساس آمریکا متحمل هزینه اخلاقی خروج نخواهد شد.

۵ این نوع توافق احتمال توافق طولانی‌تر را محدود می‌سازد. سیاست آمریکا زمانی که بر مبنای پیشگیری از یک ایران هسته بود می‌توانست منجر به توافق مکتوب و شامل امتیازات تحریمی شود اما در وضعیت مهار، شرایط متفاوت است. کره شمالی نیز پیش از هسته‌ای شدن، توافقات مکتوب و برمبنای رفع تحریم با آمریکا داشت اما پس از هسته‌ای شدن و تغییر فاز واشنگتن به مهار، شرایط تغییر کرد.

۹ چرا در حین توافق تنش‌ها افزایش یافت

در هفته‌های گذشته رسانه‌های آمریکایی به نقل از مقامات‌شان نوشتند که واشنگتن با هدف جلوگیری از توقیف نفتکش‌ها توسط سپاه پاسداران، بیش از ۳ هزار ملوان و تفنگدار دریایی را راهی خلیج‌فارس کرده است. هفته گذشته این نظامیان آمریکایی با گذر از کانال سوئز، در دریای سرخ وارد عرشه دو ناو جنگی آمریکا شدند. اگرچه در همان زمان برخی تحلیلگران نوشتند که مخاطب اعزام این نیروها به خلیج‌فارس بیش از اینکه تهران باشد، متحدان آمریکا هستند که دیگر چندان روی واشنگتن در تامین امنیت‌شان حساب باز نمی‌کنند. در میان پروپاگاندای رسانه‌های غربی درباره اعزام این تفنگداران به خلیج‌فارس، به یکباره خبر توافق ایران و آمریکا بر سر تبادل زندانیان رسانه‌ای شد تا این سوال پیش بیاید که هدف واشنگتن از این فضاسازی تبلیغاتی چه بوده است. ۱- در دسترس‌ترین احتمال، تلاش آمریکا برای افزایش فشار بر تهران و امتیازگیری بیشتر است. این همان کاری است که پیش از این نیز آمریکایی‌ها در دولت ترامپ حداقل در دو مورد به صورت گل درشت انجام دادند اما نه‌تنها امتیازی به دست نیاوردند که هیچ مذاکره‌ای نیز بین طرفین شکل نگرفت. یکی از این موارد اعزام ناو هواپیمابر «یواس‌اس آبراهام لینکلن» و چند بمب‌افکن به خلیج‌فارس در سال ۹۸ با هدف ارسال پیامی برای ایران بود. نمونه دیگرش نیز به زمستان ۹۷ و حاشیه جلسه‌ای بازمی‌گردد که جان بولتون، مشاور امنیت ملی وقت کاخ سفید در اوج ناآرامی‌های ونزوئلا با یک پوشه در جمع خبرنگاران حاضر شد که روی آن نوشته شده بود «[اعزام] ۵۰۰۰ نیرو به کلمبیا». ۲- واشنگتن قصد داشته برای میز مذاکره ابزارتراشی کرده و کاهش تنش‌ها در خلیج‌فارس و عدم توقیف نفتکش‌های ایران را به عنوان امتیاز به تهران ارائه دهد. ۳- دربرابر مقاومت ایران از پذیرش عدم حمله متحدانش به نیروهای آمریکایی در سوریه، واشنگتن تلاش کرده با تحرکات منطقه‌ای، پای این حوزه را تا حدودی به توافق غیررسمی باز کند. ۴- براساس تلقی آمریکا احتمال داشت ایران از ابزارهای منطقه‌ای برای امتیازگیری بیشتر بهره گیرد؛ به ویژه در زمینه تسلط بر تنگه هرمز.

از این رو واشنگتن تلاش کرده به زعم خود اثرات این ابزار را کاهش دهد. ۵- به لحاظ منطقه‌ای هرگونه توافق با ایران برای متحدان آمریکا هراس‌آور است. از این رو واشنگتن تلاش دارد با شاخ‌وشانه کشیدن‌های سنگین در منطقه علیه مقاومت، از هراس متحدانش بکاهد. ۶- دولت بایدن قصد داشته فضای داخلی آمریکا را تا حدی منحرف کند. حزب رقیب، جمهوری‌خواه مواضع سنگینی علیه هرگونه توافق با ایران داشته و پس از اعلام توافق غیررسمی اخیر نیز آن را ابراز داشته است تا جایی که مایک پنس آن را باج‌دهی دموکرات‌ها به ایران توصیف کرده و دست به ارائه تصویری ضعیف از بایدن زده است.

می‌توان این گونه برداشت کرد که بایدن پیش از توافق با نمایش صف‌آرایی و تهدید علیه ایران تلاش کرده از زهر توافق در مذاق فضای داخلی آمریکا بکاهد. بخشی از افکار عمومی و جناح‌ها در آمریکا همچنان در فضای صف‌آرایی هستند و برخوردشان با خبر توافق می‌تواند آنها را در تردید نگاه دارد. از سویی برخی نیز می‌توانند این گونه برداشت کنند که تهران در برابر مانورها و اعزام نیروها توسط بایدن تن به آزادسازی زندانیان آمریکایی داده است.

گزارش

تمرد، معافیت و فشار ناشی از سربازگیری بر جمعیتی محدود کار را به میدان‌داری زنان در ارتش رژیم رسانده است

ته‌کشیدن سرباز در رژیم

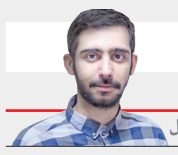

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه بین‌الملل

وضعیت ارتش رژیم به‌شدت بحرانی است. نیروهای آن درحال ریزش و ماموریت‌های آن درحال افزایشند. رژیم در میانه نافرمانی و استنکاف از خدمت نظامیان ذخیره، با تهدیداتی از جانب مصر برای نخستین بار پس از سه دهه مواجه شده است. «محمد صلاح»، سرباز ۲۳ ساله مصری، صبح روز شنبه ۱۳ خرداد (سوم ژوئن) با نفوذ به خاک فلسطین و کمین موفق شد در درگیری با نظامیان صهیونیست سه تن از آنان را به هلاکت برساند. پس از آن بود که برای دستگاه نظامی رژیم برای تقویت مرزها با مصر مشکلاتی ایجاد شد زیرا نیروها نسبت به خدمت در این منطقه نگرانی داشتند. حالا رسانه‌های عبری از اعزام یگان‌های شامل تعداد گسترده از زنان به این منطقه خبر می‌دهند.

۹ نشانه‌های وخامت اوضاع ارتش

ارتش رژیم به شکل اعجاب‌آوری مقدم بر موجودیت آن بوده است. پس از آنکه نظامیان رژیم در قالب چند گروه تروریستی دست به اشغال سرزمین فلسطین زدند، به مرور مهاجران بیشتری وارد این سرزمین شده و درنهایت طی سال ۱۹۴۸ موجودیت این رژیم جعلی اعلام شد. این روند نشان می‌دهد موجودیت رژیم به‌طور کامل قائم بر ارتش آن است؛ این درحالی است که بسیاری از کشورها با وجود فروپاشی ارتش بر اثر تحرکات داخلی مانند تسلط طالبان بر افغانستان، یا اشغال خارجی مانند عراق توسط آمریکا، همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند.

با این وجود، ارتش رژیم به وضعیت وخیمی دچار شده است و بر همین اساس رویای صهیونیسم نیز در شیب نزولی خود با سرعتی خیره‌کننده حرکت می‌کند. در ادامه به برخی از نکات درخصوص وخامت اوضاع امنیتی رژیم پرداخته شده است.

۱ در جمعیت رژیم، به‌جز معدودی از جمعیت فلسطینی دروزی مذهب، فلسطینیان و صهیونیست‌های خارج شده از فلسطین اشغالی از دایره سربازگیری رژیم خارج هستند. با این حال این زنجیره درحال گسترش است. حریدی‌ها اخیرا به دنبال گسترش و تثبیت معافیت از خدمت نظامی هستند و چپ‌گرایان سکولار نیز با تمرد از خدمت، به این صف پیوسته‌اند. جریان دینی «حریدی» که در دولت جدید بنیامین نتانیاهو، تقریبا یک چهارم کرسی‌های پارلمانی ائتلاف را به همراه وزارتخانه‌های مهمی مانند دارایی و امنیت ملی برعهده دارد، اخیرا هشدار داده است در صورت عدم تصویب قانون خدمت وظیفه در دوره زمستانی پارلمان، از ائتلاف دولت خارج شده و مسبب انحلال کابینه خواهد شد. احزاب دینی با تعیین ضرب‌الاجل به دولت تا ۱۰ اکتبر (۱۸ مهرماه) فرصت داده‌اند این قانون را به تصویب برساند. خاخام بزرگ این گروه نیز از طریق نمایندگان جریان متبوعش در پارلمان به نخست‌وزیر کابینه اجازه تداوم نخواهد داد. براساس این قانون یهودیانی که در مدارس دینی به خواندن تورات مشغول باشند از خدمت نظامی معاف خواهند شد.

چپ‌های سکولار نیز به دلیل چنین اقداماتی که در دولت جدید نتانیاهو شکل گرفته، در برابر وی به شدیدترین واکنش‌ها متوسل شده است. عمده بهانه این گروه تلاش دولت نتانیاهو برای غلبه بر قوه قضائیه و تضعیف آن است. بر همین اساس اعضای این گروه در قالب تمرد از خدمت نظامی، دیگر در محل خدمت خود حاضر نمی‌شوند.

با پیوستن این گروه‌ها به صف دسته‌هایی از دایره خدمت نظامی، قاعده سربازگیری ارتش رژیم به‌شدت کوچک خواهد شد. فلسطینیان ۲ میلیون نفر، صهیونیست‌های خارج‌شده از فلسطین اشغالی ۲ میلیون نفر، راست‌گرایان مذهبی یا حریدی‌ها یک میلیون نفر و چپ‌گرایان سکولار نیز در حدود ۲ میلیون نفر جمعیت دارند. با کسر مجموع جمعیت این ۴ گروه که روی هم تقریبا ۷ میلیون نفر از جمعیت ۹ میلیون نفری رژیم را شامل می‌شوند، جمعیت باقی‌مانده چیزی در حدود ۲ میلیون نفر می‌شود. رژیم هم‌اکنون دارای ۶۴۱ هزار و ۵۰۰ نیروی نظامی است که پیش‌تر آنان را از ۴ تا ۵ میلیون نفر جمعیت خود تامین می‌کرده است.

۲ به گزارش هاآرتس، در برابر تلاش حریدی‌ها برای معافیت از خدمت اعضای جامعه‌شان، صدها زن جنبش جدیدی با نام «جبهه مادران» به راه انداخته‌اند که شعارش «[خدمت برای همه] یا همه یا هیچ کس» است.

اعضای این جنبش با تجمع در برابر مرکز جذب نیروی ارتش رژیم صهیونیستی به مقامات رژیم تاکید کردند: «فرزندان ما نیز باید همانند فرزندان حریدی‌ها از انجام خدمت وظیفه معاف شوند.» آنها پلاکاردهایی در دست داشتند که بر آن نوشته‌اند: «خون پسران و دختران‌مان ارزان‌تر (از فرزندان حریدی‌ها) نیست.» این مساله نشان می‌دهد بهانه‌ها برای تمرد از خدمت نظامی درحال افزایش است.

۳ خروج هیچ گروهی از ارتش به اندازه خروج چپ‌گرایان سکولار زیان‌بار نیست زیرا بخشی از نیروهای ذخیره شاخه‌های تخصصی ارتش مانند نیروی هوایی و یگان‌های سایبری و اطلاعاتی را اعضای این گروه تشکیل می‌دهند. این درحالی است که افراد نزدیک به گروه‌های مذهبی که در مدارس دینی تحصیل کرده‌اند فاقد دانش لازم برای خدمت در شاخه‌های تخصصی‌اند.

۴ رژیم همزمان با کاهش ورودی‌ها به ارتش به دلیل اختلافات، به دلیل بروز مخاطرات امنیتی با افزایش نیاز به نیرو نیز مواجه شده است. بر همین اساس سربازان ذخیره که برخلاف نظامیان رسمی در جامعه به کسب‌وکار و فعالیت مشغولند ولی به شکل نظام‌مند اوقاتی را به ارتش اختصاص می‌دهند، بیشتر از گذشته به این خدمت مشغول شده‌اند. بنابر گزارش‌ها تنها در کرانه باختری رود اردن بیش از ۳۰۰ هزار نظامی صهیونیست مستقر شده‌اند که نیمی از کل نیروهای اصلی و نیروهای ذخیره ارتش رژیمند.

این میزان بالا از به خدمت‌گیری و استقرار نظامیان ذخیره، باعث شده تا گروه‌های تبهکار و قاچاقچی بیشتر از گذشته به انبارهای سلاح و مرزها دسترسی داشته باشند که در نتیجه آن قاچاق و دزدی شدت گرفته است. این دزدی‌ها به‌طور ویژه‌ای گریبانگیر انبار تسلیحات و مهمات ارتش شده است.

۵ شدت نیازهای امنیتی رژیم از یک سو و رقابت‌های داخلی میان آنها باعث شکل‌گیری گروه‌های مسلح متعددی در رژیم شده است. راست‌گرایان برای رقابت با دولت عمیق چپ‌گرایان که تا ارتش کشیده شده است، به دنبال تشکیل شاخه نظامی مخصوص به خود حرکت کرده و با تشکیل گارد ملی در اوایل سال جاری زیر نظر ایتمار بن گویر، وزیر تندروی امنیت ملی به آرزوی خود رسیدند. این جناح همچنین به دنبال گسترش مسلح‌سازی شهرک‌نشینان کرانه باختری رود اردن است. در رژیم سکولارها بیشتر در خطوط ساحلی در سرزمین‌های ۱۹۴۸ زندگی می‌کنند و در مقابل مذهبی‌ها بیشتر جذب سرزمین‌ها و اماکن مقدس در کرانه باختری رود اردن شده‌اند. تراژدی نهفته در مسلح شدن شهرک‌نشینان، همزمانی آن با افزایش اختلافات میان شهروندان است که حتی عمیق‌تر از درگیری‌های سیاسی است، زیرا به مرحله درگیری مردم با مردم رسیده است. این امور امنیتی حتی به شهرداری‌ها نیز کشیده شده و شهرداری شهری مانند تل‌آویو که در آن شهروندان عرب نیز رفت‌وآمد دارند، اقدام به استفاده از ماموران گشتی می‌کنند تا افراد مظنون به بمب‌گذاری یا اقدام شهادت‌طلبانه را شناسایی کنند.